

## بررسی ارتباط بین مؤلفه های مدل پنج عاملی شخصیت و شادکامی در دانشجویان

آرزو عظیم زاده پارسی<sup>1\*</sup>، علی حسینی مهر<sup>2</sup>، عذرا رحمانی<sup>3</sup>

(1) دستیار علمی دانشگاه پیام نور تاکستان

(2) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم تربیتی، تاکستان، ایران

(3) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم تربیتی، تاکستان، ایران

نویسنده مسئول: Azimzade71@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله 90/1/20 تاریخ آغاز بررسی مقاله 90/1/28 تاریخ پذیرش مقاله 90/5/21

### چکیده

پژوهش حاضر، با کاربست روش تحقیق توصیفی، از نوع همبستگی، بررسی رابطه ی بین عوامل مدل پنج عاملی شخصیت با شادکامی دانشجویان را مورد هدف قرار داده است. به منظور گردآوری داده ها و پیمایش نظرها، از میان جامعه ی آماری تحقیق، که شامل 14498 نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل در سال تحصیلی 90-1389 در مراکز دانشگاهی پیام نور استان قزوین بود، تعداد 380 نفر (281 دختر و 99 پسر) با روش نمونه گیری خوشه ای به عنوان نمونه ی آماری گزینش شدند. عوامل شخصیت و شادکامی، به ترتیب با پرسشنامه های شخصیت نئو و شادکامی آکسفورد مورد ارزشیابی قرار گرفتند. روایی محتوایی و صوری ابزار پژوهش با استفاده از نظر متخصصین و تحلیل عوامل و پایایی آن با تأکید بر همسانی درونی و محاسبه ی ضریب آلفای کرانباخ، در عوامل اصلی روان نژندی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیری و مسوولیت پذیری به ترتیب 0/84، 0/87 و برای پرسشنامه ی شادکامی آکسفورد، 0/93 محاسبه و مورد تأیید قرار گرفت. داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و روش رگرسیون پردازش آماری گردید. نتیجه نشان داد که، شادکامی با مسوولیت پذیری همبستگی مثبت و معنادار، و با روان رنجوری همبستگی منفی و معنادار دارد.

کلید واژه گان: روان رنجوری، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن، با وجدان بودن، شادکامی.

### مقدمه

تقسیم کرد؛ تعاریفی که روی فردیت و یگانگی افراد تأکید می کنند، در این تعاریف شخصیت شامل خصوصیات است که افراد را از یکدیگر متمایز می نماید. تعاریفی که بر ساختارها و سازه های درونی و فرضی تأکید می ورزند، در این گونه تعاریف، رفتارهای آشکار، بخش کمی از تعریف را تشکیل می دهد، در این مفهوم شخصیت شامل انتزاع هایی است که از رفتارهای آشکار و مشاهدات رفتاری اخذ شده است. تعاریفی که روی تاریخچه ی زندگی و مراحل رشد تأکید دارند، که در این دیدگاه، شخصیت حاصل رویدادهای درونی و بیرونی است. رویدادهای درونی شامل آمادگی های ژنتیکی و

شخصیت از واژه ی یونانی پرسونا<sup>1</sup> به معنای نقابی که هنرپیشه ها در اجرای نقش به چهره ی خود می زنند، گرفته شده است (شولتز<sup>2</sup>، 1378، ص 41) و می توان آن را الگوهای اختصاصی و متمایز تفکر، هیجان و رفتار دانست که اسلوب شخصی تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی هر شخص را رقم می زند (اتکینسون و همکاران، 1385، ص 22). البته تعاریف بسیاری از شخصیت ارایه شده است که می توان به طور کلی آنها را به چهار دسته

<sup>1</sup>- Persona

<sup>2</sup>- Sholtz

برون گرایی<sup>5</sup>، روان رنجورخویی<sup>6</sup>، و روان پریش خوبی<sup>7</sup> است، گرچه او احتمال این که بعد ها ابعاد دیگری اضافه شوند را منتفی ندانست (فیست و فیست، 1387، ص 11).

کاستا و مک کری<sup>8</sup> (1993) پنج عامل را به عنوان تمایلاتی مبنایی که زمینه ی زیستی دارد، معرفی کرده اند این تمایلات اساسی، آمادگی های عمل و احساس به نحوی خاص است و به طور مستقیم تحت تأثیر محیط قرار ندارد (به نقل از پروین، 1381، ص 53).

در رویکرد انگیزشی به شخصیت، این فرض وجود دارد که رفتار را به بهترین نحو می توان به منزله ی بازتاب مجموعه ای از نیازهای زیربنایی تصور کرد. مهم ترین تلاش برای دسته بندی نیازهای انسان از سوی موری انجام گرفت (کارور و شی یه، 1387، ص 102).

در رویکرد زیست شناسی و خلق و خوی، روان شناسان جنبه های زیستی و ذاتی شخصیت را، خلق و خو نامیده اند. پاره ای از مطالعات طولی نشان می دهد، بین خلق و خوی کودک و ویژگی های بعدی شخصیتی او ارتباط وجود دارد (پروین، 1381، ص 70). در حالی که شواهد بسیار نشان می دهد که بعضی پیام های عصبی در تحول، رشد و تجلی صفات مختلف شخصیت نقش دارند ولی دلایل کافی برای شکل دادن و ایجاد شخصیت توسط آنها وجود ندارد (اتکینسون و همکاران، 1385، ص 121).

سرانجام این که در اکثر ویژگی های شخصیتی، چندین ژن و فرآیند چندگانه زیستی شامل انتقال دهنده های عصبی و هورمونی وجود دارد، اما احتمال این که رابطه ای ساده و یک طرفه بین فرآیندهای زیستی و صفات شخصیت پیدا شود بسیار کم است (پروین، 1381، ص 77).

بیولوژیکی است و رویدادهای بیرونی، تجربیات اجتماعی و رویدادهای محیطی را در بر می گیرد. در نهایت در تعاریفی که بر الگوهای رفتار تأکید دارند، فرض می شود که شخصیت به طور نسبی در طی زمان ثابت مانده است و تداوم پیدا می کند. این ثبات در الگوهای رفتاری از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر ثابت باقی می ماند (آتش روز و همکاران، 1387، صص 376-377).

یکی دیگر از نظریه های شخصیت که سعی در توجیه منش و خوی افراد با تمایلات و گرایش های آنان دارد، دیدگاه گرایشی<sup>1</sup> است، این دیدگاه معتقد است، گرایش ها، خصوصیتی هستند که افراد با خود حفظ می کنند، به خود آن ها تعلق دارند، و جزیی از آن ها هستند. سه رویکرد منشعب شده از دیدگاه گرایشی شامل، رویکرد تیپ و خصیصه (صفت)، رویکرد نیازها و انگیزه ها، رویکرد زیست شناسی و خلق و خو می باشد (کارور و شی یه<sup>2</sup>، 1387، ص 69). آلپورت<sup>3</sup> (1998) معتقد بود صفات، واحد های اصلی شخصیت اند. صفات واقعیت دارند و جایگاه آنها در سیستم عصبی انسان قرار دارد. او بین صفات اصلی (آمادگی فراگیر و مشخص در زندگی فرد)، صفات محوری (با فراگیری کمتر از صفات اصلی)، و صفات ثانویه (حداقل فراگیری، همسانی و قابلیت مشاهده) تفاوت قائل شد (پروین، 1381، ص 44).

کتل<sup>4</sup> (1981) بر خلاف آلپورت، اعتقاد نداشت که صفت ها در درون هر شخص وجود واقعی دارند. او آنها را سازه هایی فرضی یا تخیلی می دانست که از مشاهده ی عینی رفتار آشکار شخص استنباط می شوند. کتل بین صفت های مشترک و صفت های یگانه تمیز قایل شد و صفت ها را به صفات، توانایی، خلق و خو و پویا تقسیم کرد (شولتز، 1378، ص 21).

در ارتباط با عوامل شخصیت، آیزنک (1945) سه عامل برتر کلی یا ابعاد شخصیت را به دست آورده که شامل

<sup>6</sup> - Extraversion

<sup>7</sup> - Neuroticism

<sup>8</sup> - Psychoticism

<sup>9</sup> - Kasta&Makerry

<sup>1</sup> Dispositional

<sup>2</sup> - Karur & Shiye

<sup>3</sup> - Alport

<sup>4</sup> - Katell

زمانی که عواطف مثبت در شادکامی مورد توجه واقع شدند، شادکامی با جامعه پذیری آسان و تعامل مطلوب و لذت بخش با دیگران مرتبط دانسته شد. برخی دیگر از محققان نظیر چپوکیوتا و استایلز پیشنهاد کرده اند که شادکامی را در صورتی می توان به عنوان صفت در نظر گرفت که سه ملاک پایداری زمانی، همسانی بین موقعیت و علیت درونی را دارا باشد. همچنین شادکامی را وابسته به فراوانی و درجه ی عواطف مثبت یا لذت، سطوح بالای رضایت در طول زندگی، و نبود احساسات منفی نظیر افسردگی و اضطراب دانسته اند (هادی نژاد و زارعی، 1388، ص 62).

در ارتباط با شادکامی، دو دیدگاه اصلی وجود دارد: دیدگاه لذت گرایی که بر اساس اصول لذت گرایی، موجودات زنده برانگیخته می شوند تا به دنبال لذت باشند و از درد اجتناب نمایند. لذت گرایی به طور معمول در چارچوب احساس هایی مفهوم سازی می شود که یا ناشی از تحریک دستگاه های حسی مختلف (بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی، و لامسه) است و یا ناشی از بمباران حسی (برانگیختگی) است. بر اساس اصول لذت گرایی، احساس ها را می توان به صورت پیوستاری نمایش داد که عاطفه ی مثبت در یک انتها و عاطفه ی منفی در انتهای دیگر آن قرار دارد. شادی بالاترین سطح عاطفه ی مثبت است. شادی از نظر عصب شناختی به وسیله ی کاهش سریع سرعت شلیک عصبی، فعال می شود. رهایی از درد جسمی، رهایی از نگرانی ها، حل کردن مسأله ای دشوار، و پیروز شدن در رقابتی اضطراب انگیز نمونه ی الگوی کاهش برانگیختگی عصب شناختی شادی است (ریو،<sup>3</sup> 1386، ص 23).

در حوزه ی تئوری های شناختی شادی، نظریه پردازان شناختی معتقدند برای این که بتوان عاطفه را هیجان نامید، باید موضوعی مرکزی و مشترک با آن داشته باشد. موضوعات مرکزی حاصل ارزیابی تعاملات فرد با محیط است. در مورد شادی، موضوع اصلی عبارت از

در دیدگاه روان پویایی، فروید شخصیت را مجموعه ی پویایی از فرایندهایی می داند که همیشه در حرکتند و مانند بسیاری از انگیزش های افراد، ناهشیارانه عمل می کنند. به این ترتیب در این دیدگاه رفتار بیشتر تعیین شده است تا اتفاق (اتکینسون و همکاران، 1385، ص 119). از نظر یونگ (1951) فرد به وسیله ی تجربیات هیجانی خاصی که از نیاکان خود به ارث برده است، یعنی ناهشیار جمعی برانگیخته می شود (فیست و فیست، 1387، ص 32). چپوکیوتا و استایلز<sup>1</sup>، بخش جداگانه ای از من را که به شیوه ای مستقل تکوین می یابد و در حوزه ای فارغ از تعارض، برای مقاصد خاص خود عمل می کند، در شکل گیری شخصیت مهم می دانند.

دیدگاه پدیدار شناختی شخصیت، ریشه در منحصر به فرد بودن چارچوب داوری هر فرد دارد. راجرز<sup>2</sup> (1945) چهره ی برجسته ی مکتب انسان گرا متمایل به خود شکوفایی، یعنی بالفعل کردن نیروهای درونی را یک امر ذاتی و فطری می داند که در همه ی انسان ها جریان دارد (آتش روز و همکاران، 1387، صص 376-367). در خاستگاه شناخت گرایانه هر فردی یک نظام سازه ی منحصر به فرد دارد که برای تعبیر یا تفسیر تجربه از آن استفاده می کند (هگل و زیگلر، 1379، ص 106). اگر چه در رویکرد رفتارگرایی، موارد تشکیل دهنده ی رفتار انسان، تقویت فرد، انتخاب طبیعی، تکامل رسوم فرهنگی، شرطی سازی کلاسیک و کنشگر دانسته شده است، اما تحقیقات دیگر نشان می دهد که حساسیت افراد مختلف نسبت به تأثیر شرطی سازی به صورت انفعالی و مشابه یکسان نیست، بلکه سرشت و شخصیت افراد بر نحوه ی پاسخ دادن آنها به شرطی سازی، تأثیر گذار است (فیست و فیست، 1387، ص 42).

طبق بسیاری از تئوری های هیجان، شادکامی یکی از شش هیجان بزرگ یعنی تعجب، ترس، خشم، شادکامی، تنفر، و نگرانی است. آیزنک (1945) شادکامی را به عنوان برون گرایی پایدار در نظر گرفت و خاطر نشان ساخت از

<sup>3</sup> . Ruoo

<sup>1</sup> . Chioqueta & Stiles

<sup>2</sup> . Rogers

از مفاهیم نسبتاً جدید مرتبط با بحث شادکامی، به زیستی<sup>3</sup> است. برخی از روانشناسان تعادل میان عاطفه ی مثبت و منفی را به زیستی ذهنی می نامند. به زیستی ذهنی یک مفهوم شخصی و فردی است و بر حسب ارزیابی افراد از زندگی خود تعریف می شود. لیومیرسکی<sup>4</sup> و همکاران (2005) مدل تلفیقی ژنتیک - شخصیت را برای به زیستی و شادمانی ارایه دادند. آنها معتقدند به زیستی و شادمانی با رفتارهای ارادی، عوامل محیطی و ژنتیک مساوی است (هاشمیان و همکاران، 1386، ص 63).

با توجه به مزایای یک زندگی شاد برای افراد جامعه، برخی از روانشناسان کوشیده اند تا روش هایی را برای افزایش میزان شادی در افراد ارایه دهند. از جمله ی این روش ها می توان به برنامه ی شناخت درمانی بک، مقابله با افسردگی لوینسون و گوتلیب، آموزش ارتباطات بین فردی باس و روش های جدید به زیستی درمانی (WBT) که به تازگی توسعه یافته است، اشاره کرد (صبحی و همکاران، 1389، ص 488).

در ارتباط با شخصیت و شادکامی، به نظر می رسد تفاوت های فردی در احساس شادکامی، تا حدود بسیاری با تفاوت های شخصیتی مرتبط است. تفاوت هایی که می تواند ناشی از عوامل ژنتیکی باشد. به عبارت دیگر، شادکامی یک متغیر شخصیتی است که می توان برای آن پایه ی زیست شناختی در نظر گرفت (میرزایی و حاتمی، 1389، ص 48). در همین ارتباط، یونگ (1951) معتقد است افراد با جهت حسی برون گرا، متوجه لذت، شادی و تداوم تجربه ها و حس های جدید می شوند (شولتز، 1378، ص 110). از نظر آیزنک (1945) تفاوت های ژنتیکی در درون گرایان و برون گرایان، ناشی از تفاوت های فیزیولوژیکی است، درون گراها در سطح کم تحریک، به سطح بهینه ی انگیزندگی می رسند و از تحریک شدید دوری می کنند. این در حالی است که برون گراها در سطح بسیار تحریک، به سطح بهینه ی

فرایند پیشرفت قابل قبول به سمت هدف است. بنابراین تعامل شخص با محیط نشان می دهد که هیجان وجود دارد. لازاروس<sup>1</sup> (1985) اشاره می کند که تحریک دو یا چند موضوع مربوط به هم، هیجان جدیدی تولید می کند که بازتابی از ترکیب آنهاست. (فرانکن<sup>2</sup>، 1384، ص 81). لازاروس (1985) معتقد است بر خلاف این عقیده که بدون دستیابی به هدف، غلبه بر موانع یا ارضای سابق اولیه نظیر گرسنگی، می توان عاطفه ی مثبت را تجربه کرد، هیجان های مثبت مثل شادی برای این وجود دارند تا رفتار هدفمند را تسهیل و حفظ کنند. به بیان دیگر اهداف دیگری به جز کسب لذت وجود دارد. از نگاه نظریه پردازان شناختی، شادی چیزی است که فرد در مسیر هدف تجربه می کند (فرانکن، 1384، ص 81).

ریو (1386، ص 30) معتقد است شادی علاوه بر آرامش ناشی از دستیابی به هدف، به وسیله ی پیش بینی واقعه ی مثبت نظیر قرار ملاقات، و احساس های لذت بخش دیگری نظیر نوازش شدن نیز برانگیخته می شود. یکی دیگر از متغیر های شناختی که با سطح شادکامی مرتبط است، شیوه های گزینش در افراد است. به این ترتیب که افراد با شیوه ی گزینش بیشتر خواهی چه در بعد ظاهری یا رفتاری و چه در بعد انتخاب های ذهنی، سطح شادی کمتری را تجربه می کنند. در حالی که افراد رضایت خواه اگر چه به نتایج ضعیف تری دست می یابند، اما از سطح رضایت بالاتری برخوردارند. به عبارت دیگر می توان گفت افراد بیشرخواه اگرچه در عالم واقع به انتخاب های بهتر دست می یابند ولی در عالم ذهنی احساس شادی نمی کنند (جوکار و سپهری، 1385، صص 138-125). در جمع بندی مطالب فوق می توان این گونه بیان کرد که، تئوری های شناختی، شادکامی را به عنوان آنچه در راه رسیدن به هدف تجربه می شود می بینند، در حالی که نظریه ی لذت گرایی، شادکامی را به عنوان وضعیت آخر یا خود هدف می بینند (هادی نژاد و زارعی، 1388، ص 62).

<sup>3</sup>. Well-Being

<sup>4</sup>. Lyubomirsky

<sup>1</sup>. Lazaroose

<sup>2</sup>. Ferankeen

2003، صص 117-113). مطالعه ای مقایسه ای در ارتباط با شخصیت و شادکامی بین گروه هایی از ژاپن، چین و بریتانیا نشان داد که؛ از نگاه آنان نیز بین برون گرایی، لذت خواهی و فعالیت اجتماعی با شادکامی الگوی مشترک همبستگی وجود دارد(آهنگران ساروکلائی، 1387، ص 13).

افسردگی، اضطراب، ترس، احساس خصومت و کم رویی میزان شادکامی را تقلیل می دهد در حالی که صفاتی نظیر اجتماعی بودن، پر انرژی بودن با سطح بالایی از شادکامی مرتبط است و ثبات هیجانی به همراه برون گرایی، شادکامی را پیش بینی می کنند.

همچنین تعداد بسیاری از تحقیقات به ارتباط مثبت و معنی دار شادکامی با برون گرایی و روان رنجوری با افسردگی و خلق منفی اشاره دارد(ویلیامز<sup>4</sup>، 1993، صص 208-199)، (لو و شی<sup>5</sup>، 1997، صص 256-249)، (پاوت و همکاران<sup>6</sup>، 1997، صص 129-100)، (هایس و جوزف<sup>7</sup>، 2003، صص 727-723)، (استوارت و همکاران<sup>8</sup>، 2005، صص 1096-1085)، (گامز و همکاران<sup>9</sup>، 2009، صص 354-345).

کاظمی(1387، ص 36) معتقد است برون گرایی و مسوولیت پذیری رابطه ی مثبت و معنادار و روان رنجور خوبی رابطه ی منفی و معناداری با شادکامی دارد. بنابراین از آنجا که ویژگی های شخصیت نقش بسیاری در واریانس شادکامی دارد مسأله ی اصلی در این پژوهش آن است که ارتباط بین صفات شخصیت و شادکامی در دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به ضعف دانش و کمبود منابع اطلاعاتی در خصوص عوامل تحریک کننده ی شادکامی که به طور جدی مورد نظر برنامه ریزان درسی و طراحان موقعیت های یادگیری دانشجویان است، همچنین تناقض موجود در نتایج

انگیزختگی می رسند، بنابراین به شکل های نیرومندتر تحریک نزدیک می شوند و از آن لذت می برند. برون گرایی با سرزندگی، شادخویی و آسوده خاطر بودن ارتباط دارد (ریو، 1386، صص 233-231). به عبارت دیگر سیستم فعال ساز رفتاری، با برون گرایی در ارتباط است و رفتار گرایشی را به دنبال حضور پاداش از طریق تحریک عاطفه مثبت تنظیم می کند و سیستم بازدارنده ی رفتاری با روان رنجوری در ارتباط است و رفتار اجتنابی را به دنبال حضور تنبیه از طریق تحریک عاطفه منفی تنظیم می کند. بر این اساس افراد برون گرا به پاداش دهنده ها توجه دارند و به همین علت خود را مثبت می یابند و افراد روان رنجور به تنبیه گرها توجه دارند و به همین علت خود را منفی می یابند(تقی لو و همکاران، 1389، ص 2189). در حمایت از دیدگاه آیزنک نتایج پژوهش ها ی امانی و همکاران نشان می دهد که صفات شخصیت و حالت های هیجانی با یکدیگر مرتبط می باشند. به عنوان مثال، صفات برون گرایی با عاطفه ی مثبت و صفات روان نژندی با عاطفه ی منفی مرتبط است(امانی و همکاران، 1389 ص 100). در دهه های اخیر، پژوهش پیرامون شادکامی، افزایش چشمگیر یافته است و محققان به بررسی شادکامی با متغیرهای گوناگون پرداخته اند(گروسی فرشی و همکاران، 1385، صص 158-143). اگرچه بررسی ها، عوامل دیگری نظیر وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد را در میزان شادکامی موثر دانسته اند، اما متغیر شخصیت کاملاً مورد توجه بوده است(لیو و شی<sup>1</sup>، 1997، صص 256-249). دنو و کوپر<sup>2</sup> (1998، صص 229-197) معتقدند ویژگی هایی نظیر اعتماد، ثبات هیجانی، مکان کنترل، سخت رویی و عواطف مثبت، با شادکامی ارتباط مستقیم دارد. صفاتی از شخصیت نظیر دلپذیر بودن و با وجدان بودن، تجربه های مثبت بیشتری را در انسان ایجاد می کند و فرد را در تطابق اجتماعی و کسب موفقیت همراهی می کند(چنگ و فورن هم<sup>3</sup>،

<sup>4</sup> . Williams

<sup>5</sup> . Lu & Shih

<sup>6</sup> . Pavot et al

<sup>7</sup> . Hayes & Joseph

<sup>8</sup> . Stewart et al

<sup>9</sup> . Gomez et al

<sup>1</sup> . Lu&Shih

<sup>2</sup> . Deneve & Cooper

<sup>3</sup> . Cheng & Furnham

### روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه ی آماری تحقیق حاضر، تعداد 14498 نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل در سال تحصیلی 90-1389 در مراکز دانشگاهی پیام نور استان قزوین می باشد که از این جامعه تعداد 380 دانشجو(281 نفر دختر و 99 نفر پسر) به عنوان گروه نمونه از بین رشته های مختلف تحصیلی و با روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. شیوه ی اجرا به این شکل بود که از میان کلیه ی مراکز پیام نور استان، ابتدا مراکز قزوین، تاکستان، بویین زهرا و الوند و سپس از میان رشته های مختلف، چند رشته با روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب و پرسشنامه ها از طریق همکاران آموزش دیده در اختیار دانشجویانی که بر اساس نمونه گیری مشخص شده بودند قرار گرفت و توضیح لازم جهت نحوه ی پاسخگویی و محرمانه بودن اطلاعات داده شد و پس از تکمیل پرسشنامه ها، در همان روز جمع آوری گردید.

پژوهش های مبتنی بر وجود یا میزان و شدت همبستگی بین عوامل شخصیت و شادکامی و نیز ضرورت تأکید به وجود این روحیه و متغیر در بین جوانان، پژوهش حاضر تلاش خود را به بررسی رابطه ی بین ویژگی های شخصیتی و شادکامی دانشجویان معطوف داشته است و در این راستا، پنج فرضیه ی مطرح شده را بررسی می نماید:

### فرضیه های تحقیق

1. بین روان نژندی و شادکامی در دانشجویان رابطه وجود دارد.
2. بین برون گرایی و شادکامی در دانشجویان رابطه وجود دارد.
3. بین دلپذیر بودن و شادکامی در دانشجویان رابطه وجود دارد.
4. بین انعطاف پذیری و شادکامی در دانشجویان رابطه وجود دارد.
5. بین مسولیت پذیری و شادکامی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول 1. توزیع جمعیت آماری دانشجویان مراکز پیام نور استان قزوین

شاخص مراکز	تعداد جامعه		تعداد نمونه	
	مرد	زن	مرد	زن
قزوین	8952	3687	213	75
تاکستان	2698	1046	39	10
بویین زهراء	2559	840	20	9
الوند	289	129	9	5
جمع کل	14498	5702	281	99

به هنر، هنرمندی و خردورزی)، دلپذیر بودن (بخشنده گی، مهربانی، سخاوت، همدلی و همفکری، نوع دوستی، و اعتمادورزی) و مسولیت پذیری (منظم بودن، کارا بودن، قابلیت اعتماد و اتکا، خودنظم بخشی، پیشرفت مداری، منطقی و آرام بودن) به کار می رود. چنانچه زمان آزمون بسیار محدود بوده و اطلاعات کلی از شخصیت کافی باشد این پرسشنامه مورد استفاده قرار می گیرد. این پرسشنامه دارای مقیاس 5 درجه ای از کاملاً مخالفم تا

داده های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه های پنج عاملی نئو و آزمون شادکامی آکسفورد، از نمونه ی مورد نظر جمع آوری شد. پرسشنامه ی پنج عاملی نئو، یک پرسشنامه ی 60 سؤالی است که برای ارزیابی پنج عامل شخصیت شامل روان نژندی(اضطراب، تنش، ترحم جویی، خصومت، تکانش وری، افسردگی و عزت نفس پایین)، برون گرایی (مثبت بودن، جرات طلبی، پراورزی بودن و صمیمی بودن)، انعطاف پذیری (کنجکاوی، عشق

کری در سال 1988 تهیه شده است و مناسب افرادی است البته در مراحل بعدی اعتبار سنجی روایی محتوایی و صوری ابزار پژوهش با استفاده از نظر متخصصین و تحلیل عوامل و پایایی آن با تأکید بر همسانی درونی و محاسبه ی ضریب آلفای کرانباخ، در عوامل اصلی روان نژندی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیری و مسوولیت پذیری به ترتیب  $0/78$ ،  $0/73$ ،  $0/69$ ،  $0/84$  و  $0/87$  و برای پرسشنامه ی شادکامی آکسفورد،  $0/93$  محاسبه و مورد تأیید قرار گرفت. داده های پژوهش حاضر با استفاده از روش های آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد)، و آمار استنباطی (ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون)، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

#### یافته های پژوهش

**فرضیه ی اول:** بین روان نژندی و شادکامی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

همان گونه که در جدول شماره ی 2 مشاهده می شود، مقدار همبستگی  $0/165$ - است که در سطح  $0/001$  معنادار شده است. در نتیجه بین روان نژندی و احساس شادکامی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد.

**فرضیه ی دوم:** بین برون گرایی و شادکامی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

کاملاً موافقم است. این پرسشنامه توسط کاستا و مک که 17 سال یا بیشتر دارند. این پرسشنامه شکل دیگری به نام NEOPI-R نیز دارد که پنج عامل اصلی شخصیت و شش خصوصیت در هر عامل را نیز اندازه می گیرد.

گروسی فرشی و همکاران (1385) با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب پایایی<sup>1</sup> ابزار را برای عوامل اصلی روان نژندی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیری و با وجدانی به ترتیب  $0/86$ ،  $0/73$ ،  $0/56$ ،  $0/68$  و  $0/87$  به دست آورند (امانی و همکاران، 1385، ص 41).

پرسشنامه ی شادکامی آکسفورد<sup>2</sup> نیز توسط آرگیل<sup>3</sup>، مارتین<sup>4</sup> و کراسلند<sup>5</sup> تهیه شد و در سال 1998 مورد تجدید نظر قرار گرفته است. این پرسشنامه شامل 29 گویه ی چهار گزینه ای است. به این ترتیب که در هر گویه، عبارات به گونه ای درجه بندی شده اند که هر جمله نسبت به جمله ی قبلی، بیانگر درجه ی بیشتری از شادی است. برای نمره گذاری پرسشنامه نیز در هر گویه، گزینه ای که بیانگر حداکثر شادی بود، نمره ی 1 و عبارتی که بیانگر عدم شادی بود، نمره ی 4 می گرفت. به عنوان مثال: الف) از هیچ چیز زندگی راضی نیستم؛ ب) از بعضی چیزها در زندگی راضی هستم؛ ج) از خیلی چیزهای زندگی راضی هستم؛ د) از تمام زندگیم راضیم.

به منظور تشخیص روایی<sup>6</sup> و پایایی پرسشنامه ی فوق، پژوهش جوکار و سپهری (1385) نیز مورد استناد

مجدد قرار گرفت.

جدول 2. میانگین، انحراف استاندارد و ضریب همبستگی متغیرهای شادکامی و روان نژندی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شادکامی	380	79/78	16/51		
روان نژندی	380	23/55	7/48	-0/165	0/001

1 . Reliability  
2 . Oxford Happiness Questionnaire  
3 . Argyle  
4 . Martine  
5 . Crosland  
6 . Validity

جدول 3. میانگین، انحراف استاندارد و ضریب همبستگی متغیرهای برون گرایی و شادکامی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شادکامی	380	79/78	16/51	-0/098	0/056
برون گرایی	380	30/72	10/25		

با توجه به جدول شماره 3، مقدار ضریب همبستگی 0/098 - در سطح معناداری 0/056 به دست آمده است، بنابراین بین دو متغیر برون گرایی و شادکامی رابطه ی معناداری وجود ندارد.

جدول 4. میانگین، انحراف استاندارد و ضریب همبستگی متغیرهای دلبذیر بودن و شادکامی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شادکامی	380	79/78	16/51	0/027	0/599
دلبذیر بودن	380	26/30	5/19		

همان گونه که در جدول شماره 4 مشاهده می شود، ضریب همبستگی 0/027 در سطح معناداری 0/599 به دست آمده است، بنابراین بین دو متغیر دلبذیر بودن و شادکامی همبستگی معنادار وجود ندارد.

جدول 5. میانگین، انحراف استاندارد و ضریب همبستگی متغیرهای انعطاف پذیری و شادکامی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شادکامی	380	79/78	16/51	-0/060	0/244
انعطاف پذیری	380	29/45	5/39		

با توجه به داده های جدول 5 و میزان سطح معناداری بین شادکامی و انعطاف پذیری که 0/244 به دست آمده است، رابطه ی معناداری بین متغیرهای انعطاف پذیری و شادکامی وجود ندارد.

جدول 6. میانگین، انحراف استاندارد و ضریب همبستگی متغیرهای مسوولیت پذیری و شادکامی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شادکامی	380	79/78	16/51	0/142	0/005
مسوولیت پذیری	380	6/37	6/37		

بر اساس جدول شماره 6، مقدار ضریب همبستگی بین احساس شادکامی و مسوولیت پذیری 0/142 است و این مقدار در سطح 0/005 معنادار شده است، در نتیجه رابطه ی مثبت بین مسوولیت پذیری و شادکامی تأیید می شود.



جدول 7. تحلیل رگرسیون بین دو عامل روان نژندی و مسوولیت پذیری با شادکامی

متغیرها	R	R <sup>2</sup>	F	B	β	t	sig
روان نژندی	-0/165	0/027	10/61	- 0/165	-0/365	-3/25	0/001
مسوولیت پذیری	0/142	0/20	7/82	0/142	0/369	2/79	0/005

نشد که این نتایج مغایر پژوهش های هایز و جوزفا (2003، ص 725)؛ گامز و همکاران (2009، ص 347)، و هماهنگ با یافته های هیلز و آرگیل (2001، ص 1359) است. در رابطه با عدم ارتباط انعطاف پذیری با شادکامی، می توان به این مسأله اشاره کرد که انعطاف پذیری در تجربه، فرد را هم به سمت تجربه ی حالات هیجانی مثبت و هم حالات هیجانی منفی هدایت می کند و ممکن است تجربه ی حالات هیجانی منفی و مثبت اثر همدیگر را خنثی کنند و باعث شوند که رابطه ی معنی داری (چه مثبت و چه منفی) بین انعطاف پذیری و شادکامی مشاهده نشود (میرزایی و حاتمی، 1389، ص 53). همچنین دلیل عدم ارتباط برون گرایی و دلپذیر بودن با شادکامی ممکن است به عوامل فرهنگی و جنس (درصد بالای دانشجویان دختر پیام نور و نوع فرهنگ بومی در ابراز هیجان و ارتباط بین فردی) مرتبط باشد که باید در تحقیقات آتی مورد توجه قرار گیرد.

علاوه براین، بین احساس مسوولیت و شادکامی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد که با دیگر پژوهش ها ی بررسی شده در سابقه ی پژوهش فعلی هماهنگ است، آهنگران ساروکلانی (1387، ص 13)؛ لیو و شی (1997، ص 250)؛ پات و همکاران (1997، ص 102) و امانی و همکاران (1385، ص 10). منظم بودن، سخت کوشی و پشتکار باعث پیشرفت و موفقیت فرد در حوزه های مختلف زندگی می شود و می تواند احساس شادکامی را ایجاد کند.

با توجه به نتایج کسب شده، پیشنهاد می شود پژوهش حاضر بر روی سایر دانشجویان مراکز آموزشی (نظیر دانشگاه آزاد، دولتی و غیر انتفاعی) به منظور تعمیم پذیری بیشتر و تطبیق بهتر نتایج انجام شده و نیز کنترل بیشتر در پژوهش، متغیرهای زمینه ای نظیر جنس، سن،

با توجه به داده های جدول شماره ی 7 مقدار تحلیل واریانس (F) بین متغیرهای روان نژندی و شادکامی 10/61 و بین متغیرهای مسوولیت پذیری و شادکامی 7/82 گردیده است و این مقادیر در سطوح 0/001 و 0/005 معنادار می باشند. بنابراین، با توجه به میزان ضریب تعیین می توان نتیجه گرفت متغیر روان نژندی تا میزان 2/7 درصد و مسوولیت پذیری تا 20 درصد شادکامی را می توانند پیش بینی کنند. بر اساس ضریب β رابطه ی بین روان نژندی و شادکامی معکوس و رابطه ی بین مسوولیت پذیری و شادکامی مستقیم است.

#### بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، ارتباط بین ویژگی های شخصیتی و احساس شادکامی در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان قزوین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین روان نژندی و شادکامی رابطه ی منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش روان نژندی میزان شادکامی کاهش پیدا می کند. نتایج این بخش از پژوهش با یافته های کاظمی (1387، ص 34)؛ چیوکیوتا و استایلز<sup>1</sup> (2005، ص 1280)، هماهنگ می باشد. در تبیین نتیجه به دست آمده از این بخش می توان به این مطلب اشاره کرد که بین شادکامی و افسردگی رابطه ی منفی وجود دارد و اضطراب و افسردگی از صفات عامل روان رنجوری است و از سوی دیگر افراد شادکام از هیجانانگ منفی، از جمله افسردگی و اضطراب دوری می کنند و به دنبال کسب روابط مثبت و صمیمانه با دیگران هستند (چنگ و فورن، 2003، ص 115)، بنابراین شادکامی با روان رنجوری رابطه ی منفی دارد. همچنین، بین برون گرایی، دلپذیر بودن و انعطاف پذیری با شادکامی ارتباط معنادار مشاهده

<sup>1</sup> . Chioqueta & Stiles

- پروین، جان. (1381). *شخصیت*. ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: آبیژ. تاریخ انتشار به زبان اصلی 1999.

- تقی لو، صادق؛ صالحی، مهدیه؛ کوشکی، شیرین؛ منصوبی فر؛ محسن و ثابت، مهرداد. (1389). مدل ساختاری روابط بین صفات شخصیت، حل مسئله اجتماعی و بهزیستی ذهنی. *مجموعه مقالات سومین کنگره انجمن روان شناسی ایران*. 218.

- ریو، جان مارشال. (1386). *انگیزش و هیجان*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ویرایش. تاریخ انتشار به زبان اصلی 1996.

- شولتز، دوان. (1378). *نظریه های شخصیت*. ترجمه یوسف کریمی و همکاران. تهران: ارسباران. تاریخ انتشار به زبان اصلی 1990.

- صبحی قراملکی، ناصر؛ پارسامنش، فریبا و برماس، حامد. (1389). اثربخشی آموزش مهارت های مقابله ای بر شادکامی. *مجموعه مقالات سومین کنگره انجمن روان شناسی ایران*. 488.

- فرانکن، رابرت. (1384). *انگیزش و هیجان*. مترجمان حسن شمس اسفندآبادی، غلامرضا محمودی، سوزان امامی پور. تهران: نی. تاریخ انتشار به زبان اصلی، 1988.

- فیست، جس و فیست، گریگوری جی. (1387). *نظریه های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: روان. تاریخ انتشار به زبان اصلی، 2005.

- کارور، چارلز اس و شی یو، مایکل اف. (1387). *نظریه های شخصیت*. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی. تاریخ انتشار به زبان اصلی، 2007.

- کاظمی، بهروز. (1387). *بررسی تأثیر سبک های فرزند پروری بر ویژگی های شخصیتی و شادکامی در دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر*

معدل و ... اجرا گردد. همچنین جهت ارزیابی موثرتر شخصیت، علاوه بر پرسشنامه از ابزار های دیگر گردآوری داده ها، نظیر مصاحبه و مشاهده نیز استفاده شود.

#### منابع

- آتش روز، بهروز؛ پاک دامن، شهلا و عسگری، علی. (1387). ارتباط بین پنج رگه شخصیتی و پیشرفت تحصیلی. *روانشناسان ایرانی*. شماره 4. 367-376.

- آهنگران ساروکلانی، زهرا. (1387). *بررسی رابطه استرس با عوامل شخصیتی و خود بیمار انگاری در دانشجویان دانشگاه بین الملل امام خمینی (ره)*. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه بین الملل امام خمینی قزوین.

- اتکینسون، ریتا ال؛ اتکینسون، ریچارد سی؛ اسمیت، ادوارد ای؛ بم، داریل ج و هوکسما، سوزان نولن. (1385). *زمینه روانشناسی هیلگارد*. ترجمه محمد نقی برهانی؛ بهروز بیرشک؛ مهرداد بیک؛ رضا زمانی؛ سعید شاملو؛ مهرناز شهرآرای؛ یوسف کریمی؛ نیرسان گاهان؛ مهدی محی الدین و کیانوش هاشمیان. تهران: رشد. تاریخ انتشار به زبان اصلی 2000.

- امانی، فرزانه؛ خداپناهی، محمد کریم و حیدری، محمود. (1385). *رابطه سبک اسناد با عوامل پنجگانه شخصیتی نئو در تعامل با جنس*. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی.

- امانی، ملاحظ؛ شیری، اسماعیل و کبیر، وهابی. (1389). ارتباط تنظیم هیجانی و ویژگی های شخصیتی با اضطراب. *مجموعه مقالات سومین کنگره انجمن روان شناسی ایران*. 100.

- جوکار، بهرام و سپهری، صفورا. (1385). رابطه ی شادی و شیوه های گزینش. *مطالعات روانشناختی*. دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء. دوره ی 2، شماره ی 3 و 4. 125-138.

**Meta-Analysis of 137 Personality Traits and Subjective Well-Being.**

Psychological Bulletin. 124(2), 197-229.

- Furnham, Adrin & Cheng, Helen. (1999). **Personality as predictor of mental health and happiness in the East and West.** Personality and Individual Differences. 27, 309 – 403.

- Hayes, Natalie. Stephen, Joseph. (2003). Big 5 correlates of three measures of subjective well-being. **Journal of Personality and Individual Differences.** 34(4), 723-727.

- Hills, Peter & Argyle, Michael. (2001). Emotional stability as a major dimension of happiness. **Journal of Personality and Individual Differences.** 31(8), 1357-1364.

- Gomez, Krings; Veronica, Franciska ; Bangerter, Adrian & Grob, Alexander. (2009). The influence of personality and life events on subjective well-being from a life span perspective. **Journal of Research in Personality.** 44(3), 345-354.

- Lu, L & Shih, B. (1997). **Personality and happiness: Is mental health a mediator?** Personality and Individual Differences. 22 (2), 249-256.

- Pavot, William; Fujita, Frank & Diener, Ed. (1997). **The relation between self-aspect congruence, personality and subjective well-being.** Personality and Individual Differences. 22(2), 100-129.

-Stewart, Mary; Ebmeier, Klaus & Deary, Ian. (2005). **Personality correlates of happiness and sadness: EPQ-R and TPQ compared.** Personality and Individual Differences. 38(5), 1085-1096.

-Williams, D. G. (1993). **Are personality effects upon average mood due to personality effects upon mood variation Personality and Individual Differences?** 14(1), 199-208.

قزوین. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین.

- گروسی فرشی، میر تقی؛ مانی، آرش و بخشی پور رودسری، عباس. (1385). بررسی ارتباط بین ویژگی های شخصیتی و احساس شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز. **فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز.** 143-158.

- میرزایی، فروغ و حاتمی، حمیدرضا. (1389). رابطه ی ویژگی های شخصیتی و شادکامی در دانشجویان. **فصلنامه اندیشه و رفتار،** دوره 5، شماره 17. صص 56-47.

- هادی نژاد، حسن و زارعی، فاطمه. (1388). پایایی، اعتبار، و هنجاریایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد. **فصلنامه پژوهش های روان شناختی،** دوره 12، شماره 1 و 2. ص 62.

- هگل، لاری، ای و زیگلر، دانیل، جی. (1379). **نظریه های شخصیت.** ترجمه علی عسگری. ساوه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

- هاشمیان، کیانوش؛ پورشیرازی، مه سیمیا؛ بنی جمال، شکوه السادات و گلستانی بخت، طاهره. (1386). بررسی رابطه بین ویژگی های جمعیت شناختی با میزان به - زیستی ذهنی و شادمانی در جمعیت شهر تهران. **فصلنامه مطالعات روان شناختی.** دوره 3. شماره 3. ص 139.

- Cheng, Helen & Furnham, Adrian. (2003). **Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression.** Personality and Individual Differences. 34(6), 113-117.

- Chioqueta, Andrea & Stiles, Tore. (2005). **Personality traits and the development of depression, hopelessness, and suicide ideation.** Personality and Individual Differences. 38(6), 1283-1291.

- Deneve, Kristina & Cooper, Harris. (1998). **The Happy Personality: A**

Quarterly Journal of Educational Psychology  
Islamic Azad University Tonekabon Branch  
Vol. 2, No. 2, summer 2011, No 6

## The Relationship between the Five-Factor Model of Personality and Happiness among University Students

Azimzade Parsi. Arezou<sup>\*1</sup>, Hoseinimehr, Ali<sup>2</sup>, Rahmani. Azra<sup>3</sup>

1) Payame Noor Takestan University, Takestan, Iran

2) Assistant professor, Department of Education, Islamic Azad University, Takestan Branch, Takestan, Iran

3) Department of Education, Islamic Azad University, Takestan Branch, Takestan, Iran

\*Corresponding author: Azimzade71@yahoo.com

---

### Abstract

The aim of the current study was to investigate the relationship between the five-factor model of personality and happiness. The research method was descriptive of correlation kind. The cluster sample (N= 380, 281 females and 99 males) was selected from the population i.e. 14498 students of Payam-e-Noor University branches of Qazvin province during the academic year of 2010-2011. The five factors of personality as well as happiness were assessed with the revised NEO personality and the Oxford happiness inventories, respectively. The reliability for general factors of neuroticism, extroversion, openness, agreeableness, and conscientiousness was 0.78, 0.70, 0.69, 0.84, 0.87, respectively, and for Oxford happiness inventories the Cronbach's alpha coefficient was 0.93. The data were analyzed using Pearson correlation and the regression method. The results showed that among the five personality factors, happiness was positively and significantly correlated to conscientiousness and negatively and significantly correlated to neuroticism.

**Key Words:** Neuroticism, Extraversion, Openness, agreeableness, conscientiousness, happiness.

---